

اشتغال و فرزندپروری بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری

زهره متین^۱، فاطمه وجدانی^{۲*}

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین شرایط و حدود و ثغور اشتغال مناسب برای مادران (باتوجه به چالش میان اشتغال بانوان و نقش مادری آنها) است؛ به گونه‌ای که از پیامدهای منفی احتمالی آن بر فرزندان خردسال کاسته شود. از آنجا که ایران به‌ویژه در سال‌های اخیر با افزایش تعداد زنان تحصیل کرده و گرایش روزافزون و گاه افراط‌گرایانه آنها به اشتغال روبه‌رو است، بنابراین پرداختن به حدود و ثغور اشتغال مناسب برای مادران ضروری به نظر می‌رسد. روش پژوهش، پژوهش از نوع کیفی کتابخانه‌ای و روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در حوزه زنان، خانواده و بانوان نخبه استفاده شده است. براساس یافته‌ها، هشت ضرورت (مقوله) در قالب چهار محور در ارتباط با مسئله اشتغال بانوان استخراج شده است: ۱- محور توصیه به بانوان (احترام به تفاوت‌های زن و مرد و افتخار زنان جامعه به زن بودن / اولویت‌بندی مسئولیت‌ها توسط بانوان)، ۲- محور توصیه به همسران (مردها) (قدرشناسی و حمایت از زحمات بانوان در خانواده / پرهیز از اجبار کردن زنان به اشتغال و کارهای سنگین)، ۳- محور توصیه به فعالان فرهنگی (نگاه معقول و معتدل به اشتغال زنان / اجتناب از تبلیغ افکار فمینیستی) و ۴- محور توصیه به نهادهای قانونی و اجرایی (مدیریت و تنظیم مشاغل مناسب بانوان / حمایت‌های قانونی از مادران شاغل). در نهایت براساس این یافته‌ها، حدود و ثغور اشتغال مناسب برای مادران تعیین و در این زمینه راهکارهایی نیز مطرح شده است.

واژگان کلیدی: خانواده، تربیت، نقش مادری، دوره خردسالی، اشتغال بانوان، مقام معظم رهبری

m_matin64@yahoo.com

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

f_vojdani@sbu.ac.ir

۲- نویسنده مسئول: استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

بیان مسئله

تدوین الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی یکی از مسائل کلان و زیربنایی کشور است؛ الگویی که باید براساس مبانی فکری، ارزش‌ها و فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی ترسیم شود. تحقق پیشرفت در عرصه‌های گوناگون فکری، علمی، رفاهی، معنوی و مانند آن در درجه اول نیازمند وجود نیروی انسانی پاک و کارآمد است.

براساس فرمایشات مقام معظم رهبری، ما برای پیشرفت کشور به تربیت انسان‌های بلندنظر، صبور، خوش‌بین و امیدوار، بانشاط و باتقوا نیاز داریم و تنها چنین نسلی می‌تواند جامعه را به پیش برد و خوشبخت کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۲/۱۴). تربیت چنین نسلی در دامن خانواده‌ای مسئولیت‌پذیر، آرام، بانشاط و اخلاق‌مند آغاز می‌شود و تردیدی نیست که مادران در این زمینه مهم‌ترین نقش را بر عهده دارند. از اینجا نهاد خانواده در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند.

با نظر به اهمیت خانواده و امر تربیت (با محوریت نقش مادر)، یکی از مسائل مهمی که در این حوزه مطرح می‌شود، مسئله «اشتغال بانوان» است. ما به‌ویژه در سال‌های اخیر با افزایش تعداد زنان تحصیل‌کرده در ایران و گرایش روزافزون و گاه افراط‌گرایانه آن‌ها به اشتغال روبه‌رو هستیم. از سوی دیگر گسترش نگرش‌های نامناسبی همچون در نظر گرفتن صرف اشتغال به‌عنوان یکی از ملاک‌های مهم موفقیت، رشدیافتگی و افتخار زنان و نیز به‌عنوان یکی از ملاک‌های توسعه‌یافتگی جامعه به این مسئله دامن زده است. اشتغال بانوان اگر با آگاهی و عقلانیت مدیریت شود، می‌تواند به پیشرفت زنان، سلامت و پایداری نهاد خانواده و درنهایت به پیشرفت جامعه کمک شایانی کند. اما در غیر این صورت لطمات جبران‌ناپذیری بر آن‌ها وارد خواهد کرد.

اگر بخواهیم نگاهی تاریخی به مسئله اشتغال زن و مرد داشته باشیم، تحقیقات دیرینه‌شناسی حاکی از وجود نوعی تقسیم کار جنسیتی در دوره‌های بسیار دور است؛ به‌گونه‌ای که در دوره‌های نخست پیدایش انسان، مشاغل همچون شکار، چوب‌بری، حفاری و استخراج معدن، ساخت سلاح، ساخت اقامتگاه و نظایر آن به مردان اختصاص داشت و تهیه و جمع‌آوری سبزیجات، آشپزی، دوخت و دوز، بافندگی و... اغلب به زنان واگذار می‌شد (بستان، ۱۳۹۰). اما به تدریج و با صنعتی شدن جوامع، زنان نیز همچون مردان به کار و فعالیت‌های مختلف خارج از منزل روی آورده‌اند.

عواملی همچون توسعه تکنولوژی، بالاتر رفتن سطح تحصیلات زنان و دستیابی به تخصص‌های مختلف و علاقه زنان به استقلال اقتصادی (بنی‌سیدی شهربابک و همکاران، ۱۳۹۱) و به تعبیری دیگر دگرگونی در نظام ارزش‌ها، رشد اندیشه‌های مردم‌سالاری، گسترش آگاهی عمومی، رشد مطالبات مدنی و همچنین تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های اخیر منجر به افزایش فعالیت زنان در جامعه شده است (قمری، امیری‌مجد و قمری، ۱۳۹۲). همچنین گسترش افکاری مانند فمینیسم و طرح مسئله آزادی و اشتغال زنان در غرب که از دریچه اقتصادی به آن نگاه شده و به تأثیرات آن در تولید ناخالص ملی و پر کردن سبد درآمد خانواده توجه می‌شود (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۷۹) نیز در سده گذشته به این پدیده دامن زده است. به‌رحال نتیجه تمام

این عوامل، دگرگونی در الگوی سنتی تقسیم کار جنسیتی در خانواده، تغییر نقش‌های سنتی زنان و افزایش تقاضای آنان برای مشارکت در عرصه‌های مختلف است.

از نظر روانشناختی به نظر می‌رسد که اشتیاق زنان برای اشتغال صرفاً ناشی از میل به کسب درآمد نیست؛ چنان‌که در زنان طبقه متوسط و حتی مرفه نیز - که نیاز مالی چندانی ندارند - افزایش تمایل به اشتغال دیده می‌شود. برخی از تحقیقات میدانی نشان می‌دهد که زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار از سلامت اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، عزت‌نفس، قدرت تصمیم‌گیری (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۵)، پذیرش اجتماعی، سازگاری اجتماعی، رفاه اجتماعی (هیئتی کادیجانی و جعفری، ۱۳۹۴)، قدرت و مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده (مینی و همکاران، ۱۳۹۲) برخوردارند. شاید به دلیل چنین تأثیراتی است که در ایران هم شاهد افزایش حضور و مشارکت اجتماعی زنان در مراکز شغلی هستیم که در اغلب موارد همراه با نقش‌های مادری و همسری، بسترهای جدیدی برای ایفای نقش و ساخت هویت زنان شکل داده‌اند. بخشی از زنان جامعه ما این نقش‌های چندگانه جدید و سنتی را به‌طور همزمان ایفا می‌کنند؛ یعنی هم نقش‌های سنتی مادری و همسری را دارند، هم شاغل‌اند و هم گاهی حتی دانشجوی هم هستند (رحمانی و طیبی‌نیا، ۱۳۹۵).

اسلام با اشتغال بانوان مخالفتی ندارد. در واقع با در نظر گرفتن شرایط، اشتغال زن می‌تواند هم به‌عنوان حق او و هم به‌عنوان تکلیف او در جامعه در نظر گرفته شود. مسئله این است که اقبال عمومی و فزاینده بانوان به اشتغال در مشاغل خارج از خانه، به‌ویژه باتوجه به تحمیل مسئولیت‌های چندگانه بر آن‌ها می‌تواند در کنار ابعاد مثبت، تأثیرات منفی نیز به همراه داشته باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان شاغل علاوه بر تنیدگی‌های ناشی از خانه و خانواده، با تنیدگی‌های ناشی از کار هم مواجهند (دیب‌راد، ۱۳۸۵) و این تداخل نقش‌های چندگانه می‌تواند سبب کاهش کیفیت کار، اختلافات زناشویی، انتقال رنج و ناراحتی روانی به کودکان، صدمه به کیفیت زندگی و کاهش سلامت روانی آن‌ها شود (حدادی و همکاران، ۱۳۹۰). از سوی دیگر تردیدی نیست که نقش تربیتی مادر و حضور باکیفیت او در کنار فرزندان به‌ویژه در دوران خردسالی بسیار مهم است. سلامت جسمانی، پایه‌های شخصیت، اخلاقیات، باورها و اعتقادات هر فردی در این دوران طلایی شکل می‌گیرد. بنابراین کودک خردسال به‌ویژه به لحاظ تربیتی، به شدت نیازمند حضور باکیفیت مادرش است.

درمجموع باتوجه به اینکه دست‌کم در مواردی مانند زنان سرپرست خانوار یا ضرورت اشتغال زنان در مشاغل خاص چون حوزه‌های پزشکی و آموزشی (برای ارائه خدمات ویژه به بانوان) از یک سو و اصل نبود ممنوعیت اشتغال زنان در اسلام از سوی دیگر (البته با در نظر گرفتن اولویت وظایف همسری و مادری برای بانوان)، مبادرت به ترسیم الگوی مناسب اشتغال بانوان، تعیین شرایط و حدود و ثغور آن برای کاستن از آسیب‌های احتمالی در حوزه فرزندپروری و ارائه راهکارهای مناسب در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. این تحقیق در همین راستا به انجام رسیده است.

هدف از انجام این پژوهش، اولاً مشخص کردن شرایط و حدود و ثغور یک اشتغال مناسب برای بانوان جهت پیشگیری از تأثیرات منفی اشتغال مادر بر فرزندپروری و ثانیاً ارائه راهکارهای عملی برای کاهش آسیب‌های احتمالی این امر است.

باتوجه به ضرورت دستیابی به الگویی بومی در زمینه اشتغال مناسب بانوان، در این پژوهش از نقطه‌نظرات مقام معظم رهبری به‌عنوان یک اندیشمند برجسته مسلمان معاصر استفاده شده است. همچنین دوران خردسالی (چهار سال نخست زندگی) به‌عنوان دوره خاص و مهمی از زندگی کودک مورد توجه قرار گرفته است؛ چرا که کودک در این دوره نیاز بیشتری به توجه مادرانه دارد و در اثر اشتغال مادر، احتمالاً دچار مشکلاتی خواهد شد.

بنابراین سؤالات پژوهش حاضر بدین قرارند:

۱- شرایط و حدود و ثغور اشتغال مناسب بانوان از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست؟

۲- برای کاستن از آسیب‌های ناشی از اشتغال مادر در تربیت فرزند (خردسال)، چه راهکارهایی می‌توان ارائه داد؟ تاکنون تحقیقات زیادی در مورد تأثیر اشتغال مادر بر کیفیت انجام وظایف فرزندپروری و پیشنهاد شرایط و حدود و ثغور مناسب برای اشتغال بانوان صورت گرفته است. البته در این مورد با ادبیات پژوهشی متفاوت و بعضاً متناقضی روبه‌رو هستیم.

برخی پژوهشگران در پژوهش‌هایشان نشان داده‌اند که اشتغال مادر نه تنها بر مراقبت و تربیت فرزند تأثیر منفی ندارد، بلکه حتی تأثیرات مثبتی نیز بر جای می‌گذارد. این دسته از تحقیقات قاعداً دلالتی برای تعیین شرایط و حدود برای اشتغال بانوان ندارند. از جمله عنایت (۱۳۷۰ و ۱۳۷۱) در پایان‌نامه خود تأثیر اشتغال مادران را بر مراقبت از کودکان با استفاده از شش شاخصه مراجعه به مدرسه، توجه به امور تحصیلی در خانه، تنبیه، حساب بردن از والدین، پول توجیبی و مطرح کردن مشکلات با والدین مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده که ساعات کار مادر در خارج از خانه بر تربیت و مراقبت کودک تأثیر چندانی ندارد.

همچنین محمودی (۱۳۷۶) در پایان‌نامه خود رابطه بین اشتغال مادر و ویژگی‌های شخصیتی، پیشرفت تحصیلی و خلاقیت فرزندان را بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران بررسی کرده و دریافته که میزان اجتماعی بودن، خلاقیت و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دارای مادران شاغل نسبت به دانش‌آموزانی که مادر خانه‌دار دارند، بیشتر است.

اما بسیاری از پژوهش‌ها نیز حاکی از اثرات منفی اشتغال مادر بر تربیت فرزندان است که این پژوهش‌ها به‌طور صریح یا ضمنی ممنوعیت یا محدودیت اشتغال مادران را توصیه می‌کنند. به‌عنوان نمونه قائمی (۱۳۸۴) در کتاب «نقش مادر در تربیت»، تکیه‌گاه بودن مادر را در امر تربیت مورد تأکید قرار داده و نقش‌های فرهنگی، معنوی و تربیتی او را توضیح می‌دهد. سپس اشتغال مادران را به‌عنوان یکی از اشتباهات آنان و به‌عنوان امری که به زندگی خانوادگی، نقش تربیتی و حتی به شخصیت زن لطمه وارد می‌کند، معرفی می‌کند. از نظر او بازده تربیت فرزند - به شرطی که مادر فرزندش را نیکو تربیت کند - برای جامعه می‌تواند بیش از بازده خدمت اداری او باشد. قائمی در

کتاب دیگری با عنوان «حیات زن در اندیشه اسلامی» (۱۳۷۳) ضمن تبیین ضرورت ارتباط نزدیک مادر و کودک در رشد ابعاد عاطفی، روانی، گفتاری و حرکتی کودک، عارضه اشتغال زنان در بیرون از خانه را به شرط نداشتن نیاز مالی و تنها به خاطر رقابت و چشم و هم‌چشمی گناهی بزرگ می‌داند.

احمدی و تقوی (۱۳۸۲) نیز پیامدهای اشتغال مادران را بر سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی فرزندان آن‌ها مورد بررسی قرار داده‌اند و دریافته‌اند که این تأثیرات بسته به سن فرزندان، نوع شغل مادر، رضایت شغلی مادر و تنش شغلی او می‌تواند متفاوت باشد؛ به طوری که اشتغال مادر برای کودکانی که در سال‌های بالاتر تحصیل (پایه‌های چهارم و پنجم) هستند، باعث سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی بیشتری می‌شود. فرزندان مادران شاغل در مشاغل رده پایین (خدماتی) کمترین سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی را نشان می‌دهند. همچنین بین رضایت شغلی مادر و سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی فرزندان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین بیشترین آسیب برای فرزندان زمانی است که شغل مادر نامناسب و همراه با تنش شغلی زیاد باشد و فرزندان نیز سن چندانی نداشته باشند.

خواجه‌پیری (۱۳۹۲) در نگاهی راهبردی به مسئله اشتغال زنان در ایران معتقد است که آنچه موجب آسیب‌زایی و تضعیف نهاد خانواده در کشور می‌شود، صرف اشتغال زنان به مفهوم فعالیت اجتماعی یا اقتصادی این قشر نیست؛ بلکه مدل فعلی اشتغال زنان در کشور است. او در این مقاله فعالیت اجتماعی و اقتصادی زنان را در شرایطی که مستلزم فروکاستن از حجاب و عفت و حیا نباشد یا حق همسر را از بین نبرد، عاقلانه دانسته و پیشنهادهایی را همچون گسترش مشاغل خانگی، آموزش‌های مجازی هدفمند، دورکاری‌های منطبق با مبانی عقلانیت اسلامی و آموزش‌های متناسب با استعدادهای طبیعی زنان به طوری که زمینه همسری و مادری را - به عنوان شغل اصلی زنان - در آن‌ها تقویت کند، مطرح کرده است.

قمری، امیری‌مجد و قمری (۱۳۹۲) نیز نشان داده‌اند که بین هوش معنوی و تعارض کار - خانواده، همبستگی منفی و معناداری وجود دارد؛ یعنی می‌توان با تقویت توانایی‌های خویش، تعارض حاصل از کار با خانواده را کاهش داد. اما به‌هرحال حتی با استفاده از راهبردهای مدیریتی نیز نمی‌توان تعارض کار - خانواده را به‌طور کامل کنترل کرد و به‌کلی از میان برداشت. آن‌ها در پایان برای کاهش تعارض کار - خانواده، پیشنهاد تقویت هوش معنوی و راهبرد راه‌حل‌گرایی مدیریت تضاد (شیوه حل تعارض از نوع همراهانه و مصالحه‌گرانه) را مطرح کرده‌اند.

در پژوهشی دیگر، برهانی کاخکی و کرمی (۱۳۹۵) طی مقایسه کیفیت خواب در زنان کارگر در شیفت صبح و شیفت شب نشان داده‌اند که کار کردن در ساعات غیر از ساعات استاندارد کاری، می‌تواند فشار روحی و جسمی زیادی به زنان وارد کرده، علاوه بر اختلال خواب برای خود فرد، در نحوه ارتباط او با همسر و فرزندان نیز اختلال ایجاد کند؛ چرا که کیفیت خواب نامطلوب با خلق و خوی منفی بالا و خلق مثبت پایین همراه است. بنابراین توجه جدی و بازنگری در ساعات کاری بانوان ضروری است.

همانطور که ملاحظه گردید، پژوهش‌های فوق بیشتر با رویکردهای روانشناختی سعی در بررسی تأثیرات اشتغال مادر بر عملکردهای فرزندان دارند و سعی می‌کنند در کنار یافته‌های متفاوتی که به دست آورده‌اند، راهکارهایی هم ارائه دهند. اما به نظر می‌رسد انجام پژوهشی که با رویکرد اسلامی حدود و ثغور اشتغال مناسب برای مادران دارای فرزند خردسال را مشخص کند و به ارائه راهکار بپردازد، ضروری است.

روش پژوهش

این پژوهش یک تحقیق کیفی کتابخانه‌ای است که با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش ابتدا سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در حوزه زنان، خانواده و بانوان نخبه مورد بررسی تحلیلی قرار گرفته و مطالب مرتبط با وظایف گوناگون زنان در عرصه‌های خانوادگی و اجتماعی، فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی ایشان و وظیفه خطیر مادری استخراج شده است. سپس داده‌ها در راستای پاسخ‌دهی به سؤالات پژوهش مقوله‌بندی شده و در نهایت شرایط و حدود و ثغور اشتغال مناسب برای بانوان از دیدگاه ایشان تبیین شده است. همچنین در ادامه براساس یافته‌ها و برای به حداقل رساندن پیامدهای منفی اشتغال مادر بر تربیت فرزندان خردسال، راهکارهایی را مطرح کرده‌ایم.

یافته‌های پژوهش

الف - تبیین ضرورت حضور تمام و کمال مادر برای تربیت صحیح فرزند از نظر علمی

در ابتدای بحث لازم است که ضرورت حضور تمام و کمال مادر برای تربیت صحیح فرزند، به لحاظ علمی تبیین شود. سپس براین اساس چالشی را که اشتغال مادر برای فرزندپروری مطلوب ایجاد می‌کند، تشریح خواهد شد. این بحث می‌تواند پایه‌های نظری را برای تعیین حدود و ثغور اشتغال مناسب برای مادران فراهم کند.

با به دنیا آمدن فرزند و جدا شدن بند ناف، صرفاً وابستگی فیزیکی کودک با مادر قطع می‌شود، اما نیازهای عاطفی و روانی او به مادر همچنان ادامه دارد. کودک تنها مکان امن را دامان مادری می‌داند که ماه‌ها در بطن او بوده و صدای مهربان قلبش را شنیده است.

روانشناسان رابطه عاطفی مادر و فرزند را در سال‌های نخست زندگی بسیار مهم می‌دانند و این وابستگی را، پررنگ‌ترین ویژگی کودکان در سال ابتدایی زندگی تلقی می‌کنند.

اگر بخواهیم رابطه عاطفی میان مادر و کودک را در دوره خردسالی مورد توجه قرار دهیم، باید بگوییم کودک در حوالی پنج تا شش ماهگی با نگاه کردن به مادر، محبت او را درک کرده و لذت می‌برد (د/وید، ۱۳۷۷، ص ۱۳). بین یک تا دو سالگی از مادر فاصله چندانی نمی‌گیرد و دوست دارد مورد توجه و

نگاه مادر باشد و از ستایش و تمجید او بهره‌مند شود (داوید، ۱۳۷۷، ص ۵۹ و ۶۰). همچنین سعی در انجام کارهایی دارد که مطابق میل مادر است (ریاحی، ۱۳۷۰). او در زمان خستگی یا بیماری با آغوش مادر و نوازش‌های او، ناراحتی خود را هم فراموش می‌کند و به خواب می‌رود. در سال سوم زندگی، ویژگی‌هایی همچون تلقین‌پذیری و همانندسازی موجب می‌شود تا کودک خوی و رفتار اطرافیان خود را کسب کرده و تجربیات اکتسابی دیگران را از آن خود کند و به شخصیت خود بیفزاید و گاه مجموعه شخصیت آنان را با تمامی خصایص از آن خود می‌کند (ریاحی، ۱۳۷۰). بنابراین شخصیت‌های موجود در اطراف کودک از نظر تربیتی از اهمیت زیادی برخوردارند. در سال چهارم زندگی با اینکه کودک تمامی عوامل متشکل یک فرد بالغ را دارا بوده و همچون گذشته نیازمند آغوش و نگاه مادر نیست، اما به‌طور موقت در مرحله بی‌ثباتی قرار می‌گیرد و نیازمند ابراز محبت از سوی اطرافیان خویش است. او احساس می‌کند که اطرافیان مخصوصاً پدر و مادر او را دوست ندارند. بنابراین والدین با ابراز محبت و اطمینان دادن به او می‌توانند از شدت یافتن چنین احساسی در کودک جلوگیری کنند (فیض، ۱۳۸۷، ص ۸). اما بعد از اتمام چهار سالگی را می‌توان سن انفراد و اعتمادبه‌نفس دانست. کودکان در این سن بیشتر خودگرا بوده و از اعتماد به نفس نیرومندی برخوردارند و کمتر تحت تلقین قرار می‌گیرند (ریاحی، ۱۳۷۰، ص ۵۲). به‌عبارت دیگر، شخصیت‌شان تا حد زیادی شکل گرفته است.

به دلیل همین ویژگی‌های خاص کودکان در دوره خردسالی، روانشناسان بر این عقیده‌اند که کنش‌های متقابل کودک و مادر، پایه و اساس عمده رشد عاطفی و شناختی کودک را شکل می‌دهد (هنری ماسن و دیگران^۱، ۱۳۶۸، ص ۱۷۲).

بالبی، فروید و واتسون^۲ معتقدند که کودکان نسبت به افرادی که (از طریق بازی یا کاهش ناراحتی‌ها و نگرانی‌ها) موجبات لذت را برای آن‌ها فراهم می‌کنند، نوعی رابطه «دلبستگی» عاطفی پیدا می‌کنند (هنری ماسن و دیگران، ۱۳۶۸، ص ۱۴۰). به دلیل همین دلبستگی، کودکان همیشه همراه مادر بوده و از او دور نمی‌شوند و اگر مادر ناپدید شود یا کودک از علاقه و محبت او محروم شود، احساس طردشدگی و تنهایی کرده و رشته محبتش با مادر بریده خواهد شد. حتی ممکن است پس از یک بحران کمابیش طولانی دچار اختلالات فکری و بیماری‌های روانی و جسمی شود (داوید، ۱۳۷۷، ص ۶۳). در این نظریه، دلبستگی ایمن بین فرزند و مادر یکی از عوامل عمده در رشد اولیه اجتماعی و عاطفی کودک محسوب می‌شود و برای او نتایج حیاتی زیر را به همراه خواهد داشت:

– **فراهم آمدن سرمایه‌ای از امنیت عاطفی برای کودک:** کودک با وجود حس کنجکاوی و شناخت پیرامون خود در حین مقابله با امور غیرقابل پیش‌بینی، نیازمند حامی امین و پشتیبانی مأنوس است

1- Henry Mason

2- Bowlby, Freud & Watson

(هنری ماسن و دیگران، ۱۳۶۸، ص ۱۵۰). رفتار مناسب پدر و مادر و ایجاد احساس امنیت در کودک به او کمک می‌کند تا بتواند با استرس‌ها مبارزه کند (فیض، ۱۳۸۷، ص ۵۸).

– پی‌ریزی شالوده رابطه کودک با والدین در آینده: از آنجا که «دوست داشتن» یکی از عوامل روانی اطاعت‌پذیری و اثرگذاری است، عشق و محبت مادر می‌تواند در تقلید و الگوپذیری کودک نقش مؤثری داشته و رهبری بی‌رقیب مادر را در آینده تضمین کند (حسین‌پور علویه، ۱۳۸۸، ص ۶۳). بنابراین مادر با توجه کردن به فرزند و برآوردن نیازهای تغذیه‌ای و دیگر نیازهای او، پایه‌های احترام را در مراحل بعدی تکامل اخلاقی پی‌ریزی می‌کند. در غیر این صورت مادر برای کودک، شخصیت بخصوصی ندارد و حتی ممکن است بعضی از بچه‌ها در برابر پیوند عاطفی با مادران خود، مقاومت نشان دهند (لیکونا^۱، ۱۳۷۰، ص ۶۷ و ۶۸).

از نظر بیولوژیک نیز اعتقاد بر این است که مهرورزی مادر به کودک باعث ترشح مواد شیمیایی همچون آکسی‌توسین، اوپیوئیدها و پرولاکتین در مغز کودک شده و موجب شادی، رضایت و در نتیجه آرامش فکری و (فیض، ۱۳۸۷، ص ۵۳). هر چه رابطه عاطفی و بدنی مادر و فرزند بیشتر باشد، تحریک و ترشح این مواد افزایش یافته و آرامش بیشتری را برای کودک مهیا می‌سازد. این ارتباط از نظر روانی به کودک این قدرت را می‌بخشد تا قادر باشد:

– در هنگام استرس فکر کند و آرامش به دست آورد.

– از نظر اجتماعی گرم و صمیمی باشد.

– فرصت‌هایی که برای او پیش می‌آید درک کند و از آن‌ها بهره‌مند شود.

– واکنش‌های فکروانه‌ای در برابر گفته‌ها و چالش‌ها نشان دهد؛ نه واکنش‌هایی از روی خشم و غضب.

– مسائل و مشکلات را حل کند؛ نه اینکه دیگران را سرزنش و محکوم کند (فیض، ۱۳۸۷، ص ۶۴).

اما اگر کودک هنگام خشم، ترس و جدایی، از طرف والدین خود حمایت عاطفی مناسبی دریافت نکند، این امر موجب ترشح هورمون استرس^۲ (کورتیزول) می‌شود (شرفی، ۱۳۷۱) و ترشح این هورمون در مراکز یادگیری مغز خدشه وارد کرده و رفتارهای او را دگرگون خواهد کرد. به طوری که این افراد نمی‌توانند در مواجهه با ناراحتی‌ها و مشکلات، به طور مؤثر و مثبت عمل کنند. آن‌ها انسان‌های شادی نیستند و در بزرگسالی ممکن است دچار اختلالات فکری و بیماری‌های روانی و جسمی مانند افسردگی، حالات تشویش دائمی، ترس و وسواس شوند (فیض، ۱۳۸۷، ص ۵۷).

1- Lickona

۲- استرس ممکن است به صورت محرک‌های فیزیکی، بیماری‌ها، عفونت یا واکنش‌های آلرژیک باشد یا به صورت تغییری از نظر اجتماعی یا روانی اتفاق افتد. استرس زندگی کودکان از استرس بزرگسالان متفاوت است؛ بستری شدن در بیمارستان، عوض شدن فردی که از کودک مراقبت می‌کند و تولد نوزاد جدید از جمله استرس‌های ویژه کودکان است (فیض، ۱۳۸۷، ص ۵۸).

اسلام نیز براساس همین نیازهای روانشناختی کودک با زبانی بسیار بلیغ و ساده نقش و کارکرد پدر و مادر را در فرزندپروری بیان می‌کند. در قرآن کریم آمده، مادرانی که بخواهند دوران شیرخوارگی را تکمیل کنند، باید فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. بر پدر نیز لازم است که در این مدت خوراک و پوشاک مادر را به نحو شایسته تأمین کند (بقره، ۲۳۳). براساس این آیه نفقه زن و فرزند بر مرد واجب شده تا مادر در این دوران مهم ذهن خود را از تأمین معیشت آزاد ساخته و فقط بار تربیت فرزند و حفظ آرامش خود و کودک را عهده‌دار باشد. دوران بارداری و پس از آن را با آرامش سپری کرده و فقط برای پروراندن فرزندی صالح در محیطی سالم که همان پیوند عاطفی محکم در درون خانواده است، بیندیشد و تلاش کند؛ زیرا مادر برای تربیت فرزندی پاک، باصلاحت و خردمند باید دارای فکری سالم و اخلاقی انسانی باشد (حسین‌پور علویه، ۱۳۸۸، ص ۱۷). مقام معظم رهبری نیز بر این نقش مادری و تربیتی بانوان تأکید کرده و می‌فرماید: «فقط سرانگشت ظریف و لطیف مادر است که می‌تواند این رشته‌های بسیار رقیق و نازک اعصاب کودک را از هم جدا کند تا عقده‌ای به‌وجود نیاید... و این کارکرد به‌قدری همراه با ظرافت است که انسان از قدرت الهی استعجاب می‌کند که چگونه این توانایی بالا را همراه با ظرافت به زنان عنایت فرموده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۲۱).

باتوجه به بحث فوق، واگذاری تربیت فرزند به دایه و پرستار یا مربی مهد کودک - هر چند هم که خیرخواه و با حسن‌نیت باشند - در مقایسه با مادر، قطعاً با کمی و کاستی‌هایی مواجه خواهد بود. اکنون باتوجه به بحث فوق، پیامدهای احتمالی اشتغال مادر را بر رشد روحی و روانی فرزند مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در نگاه اول به نظر می‌رسد که اشتغال به کار مادر به افزایش درآمد خانواده، بهبود وضع اقتصادی و افزایش عزت‌نفس زن شاغل منجر می‌شود. برخی از تحقیقات نیز چنین مطلبی را تأیید می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۹). اما همچنین تحقیقات نشان می‌دهند زمانی که زنان نتوانند بین انتظارات نقش‌های خویش تعادل برقرار کنند، قادر به انجام همزمان وظایف و مسئولیت‌های هر دو نقش خانگی و شغلی خود نباشند و تحت فشار و دشواری قرار گیرند، دچار تعارض بین نقش‌های شغلی - خانوادگی می‌شوند که ضرر حاصل از آن قابل جبران نیست (صیف، ثابت مارلونی، رستگار و طالبی، ۱۳۹۳). گرین هاوس و بیوتل^۱ (۱۹۸۷) (به نقل از صیف، ثابت مارلونی، رستگار و طالبی، ۱۳۹۳) سه نوع تعارض کار - خانواده را مبتنی بر زمان، فشار و رفتار مطرح می‌کنند: تعارض مبتنی بر زمان، پیامد رقابت‌های چندگانه برای به‌چنگ آوردن زمان در اختیار فرد است. حال آنکه نمی‌توان مدت زمان انجام فعالیت در یک نقش را برای فعالیت‌های مربوط به نقش دیگر نیز به کار گرفت. در تعارض مبتنی بر فشار، محرک‌های تنش‌زای شغلی و خانوادگی، موجب فشارهای فیزیکی و روانی مانند تنش، اضطراب،

خستگی، افسردگی، بی‌حوصلگی و تندخویی شده و بر کارکرد شخص در نقش دیگر اثر می‌گذارد. در تعارض مبتنی بر رفتار نیز الگوهای ویژه از رفتار در نقشی معین با انتظارات مربوط به رفتار در نقش دیگر ناسازگار می‌شود؛ یعنی ممکن است در نقش شغلی، رفتارهایی از فرد درخواست شود که با انتظارات رفتاری در حوزه نقش‌های خانوادگی تعارض داشته باشد. همچنین اگر مادر بخشی از زمان خود را به کار اختصاص داده و کودک را از خود جدا سازد، مشمول تعارض مبتنی بر زمان خواهد شد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد شاغل بودن مادر در شرایطی که دارای فرزند خردسال است، احتمالاً هر سه نوع تعارض خانواده - کار را برای او در پی داشته باشد. این در حالی است که زن به‌عنوان موجودی لطیف^۱ و نیازمند مهر و محبت، در اثر محول کردن کارهای سنگین ممکن است پژمرده شده و تمام زیبایی خود را از دست بدهد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۶/۲۸) و بدین ترتیب دچار تعارض مبتنی بر فشار شود. به اعتقاد متخصصان وجود نقش‌های متعدد مادری، همسری و اشتغال، فشار زیادی بر بانوان ایجاد می‌کند و از آنجا که زنان به‌طور طبیعی از نظر فیزیولوژیک توانایی محدودتری دارند، به‌علت قبول مسئولیت مضاعف اجتماعی و خانوادگی، همواره در معرض انواع تنش‌های روحی و آسیب‌های جسمی از جمله افزایش استرس، بیماری‌های ناشی از کار و کوتاهی عمر هستند (فرهادیان، ۱۳۸۹/الف و ب). به‌علاوه عهده‌دار شدن شغل و پذیرفتن ساعات معین برای حضور، گاهی مادر را مجبور به بی‌اعتنایی به کودک کرده و موجب فشار روحی بر مادر و کودک می‌شود و تعارض مبتنی بر رفتار را ایجاد می‌کند.

در چنین شرایطی بالا رفتن سن ازدواج، بالا رفتن نرخ تجرد قطعی، بی‌تمایلی به فرزندآوری یا کاهش تعداد فرزندان که موجب تنهایی کودکان می‌شود، از جمله شیوه‌های نامناسبی است که گاه برخی از بانوان در واکنش به تعارضات فوق‌الذکر، به آن‌ها متوسل شده‌اند. درحالی‌که تربیت نسلی فاخر و بالنده وظیفه خطیری است که نباید با هیچ وظیفه یا فعالیت دیگری جایگزین شود. ناآگاهی و بی‌توجهی به این امر مهم تبعات جدی در عرصه‌های فردی و اجتماعی به دنبال دارد؛ به‌گونه‌ای که با افزایش اشتغال بانوان و سپردن کودکان به مهدهای کودک و دور کردن آن‌ها از مادرانشان، روز به روز آمار کودکان مبتلا به بیماری‌های جسمی - روانی و استرس افزایش یافته و به همین دلیل آمار کودکان سپرده شده به کانون‌های اصلاح و تربیت به‌علت بزه‌کاری یا سپرده شده به بیمارستان‌های روانی رو به افزایش است (گیلدر^۲ و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۹).

از این رهگذر به نظر می‌رسد که اشتغال مادر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین علل دور نگه داشته شدن کودک از آغوش مادر، چالش‌های جدی را در زمینه مراقبت و تربیت تمام‌عیار فرزند ایجاد می‌کند.

۱- المرأة ریحانة، لیست بقهرمانة (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

ب- دیدگاه کلی مقام معظم رهبری در زمینه اشتغال بانوان

مقام معظم رهبری فعالیت و مشارکت بانوان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، علمی - پژوهشی، فعالیت‌های خیرخواهانه، اقتصادی و حتی نظامی را بلامانع و حتی مفید و مؤثر می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴، ۱۳۹۱/۲/۲۱ و ۱۳۹۲/۲/۱۱). به اعتقاد ایشان بانوان مسئولیت دارند که همچون مردان در جامعه حضور فعال داشته، دردهای عمومی جامعه را بفهمند و سعی در علاج آن‌ها داشته باشند، در اداره جامعه اسلامی و پیشرفت جامعه اسلامی ایفای مسئولیت کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۴/۱۳)، از هدف‌های بزرگ ملی و فراملی (اهداف مربوط به کشورها و ملت‌های اسلامی) آگاه باشند، دشمن و توطئه‌های او را بشناسند و در این عرصه‌ها نقش فعال داشته باشند (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۸/۱۲). البته در میان ابعاد فوق‌الذکر، جایگاه و اولویت خاصی برای فعالیت‌های علمی قائلند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸). بنابراین مطالعه، تحقیق و ورود به مسائل مورد ابتلای روز را جزو وظایف حتمی و مسلم زنان کشور می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸) و وجود زنان فرزانه و تحصیل‌کرده، خوش‌فکر و ممتاز از لحاظ فکری و عملی را یکی از بزرگ‌ترین افتخارات نظام اسلامی معرفی می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۳۰). خلاصه آنکه از نظر ایشان زنان باید هم مادر و همسر خوبی باشند و هم در فعالیت اجتماعی شرکت کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۵).

از سوی دیگر ایشان توجه زیادی به وظیفه مادری و تربیت فرزند دارند و تأکید می‌کنند که فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بانوان مانع از ایفای وظایف اساسی و اختصاصی آن‌ها (همسررداری و فرزندپروری) نشود. زیرا این موارد وظایفی هستند که صرفاً زنان می‌توانند از عهده آن برآیند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۴/۱۳). اگر بانوان، فرزند نیاورند یا فرزند را در خانه و با مهر و محبت تربیت نکنند، هیچ فرد دیگری - حتی پدر - نمی‌تواند این کار را انجام دهد؛ اما شغل بیرون از منزل را چندین نفر دیگر می‌توانند انجام دهند. بنابراین اولویت با کاری است که بدیل ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴). ایشان در همین راستا می‌فرمایند: «مادرانی که فرزند خود را از این موهبت الهی (مادری و تربیت) محروم می‌کنند، درواقع به زیان خود و فرزند خویش و جامعه اقدام کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). نتیجه بحث آنکه اشتغال بانوان بلامانع و در برخی موارد حتی ضروری است؛ اما مشروط بر آنکه به مهمترین و کلیدی‌ترین نقش و شغل آنان که فرزندپروری و حفظ خانواده و ارکان آن است، خللی وارد نشود.

ج - نکات مهم در اشتغال زن مسلمان ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری

باتوجه به بحث‌های فوق مبنی بر تأثیر تربیتی مادر در دوره خردسالی و اهمیت حضور دائمی او و نیز تحلیل و تبیین تعارض نقش تربیتی او با اشتغال، بهتر می‌توان ضرورت اصلاح فرهنگ حاکم بر جامعه در زمینه اشتغال بانوان و حدود و ثغور آن را درک کرد. در ادامه ابتدا توصیه‌های مقام معظم رهبری را برای تأمین

یک اشتغال مناسب برای مادران در چهار محور و هشت مقوله مطرح می‌کنیم و سپس براساس آن، حدود و ثغور و شرایط اشتغال مناسب را استخراج خواهیم کرد. ضرورت‌های مرتبط با اشتغال زنان در دیدگاه مقام معظم رهبری بدین قرارند:

محور ۱: توصیه به بانوان

احترام به تفاوت‌های زن و مرد و افتخار زنان جامعه به زن بودن: زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت بشر، حساس‌ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش‌ها را در حرکت تاریخ انسان و در سیر بشریت به سوی کمال داشته‌اند (خامنه‌ای، ۸۴/۵/۵). بنابراین باید ویژگی‌های زنانگی خویش را حفظ کرده و به زن بودن خود افتخار کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۴/۲۱).

اولویت‌بندی مسئولیت‌ها توسط بانوان: از نظر مقام معظم رهبری، میدان فعالیت و تلاش علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. آن‌ها در صورت وجود شوق و علاقه و متناسب با نیرو و توان جسمانی خود می‌توانند در این میدان‌ها فعالیت داشته باشند؛ مشروط بر آنکه این فعالیت‌ها، کار اساسی و اختصاصی آن‌ها (همسررداری و فرزندپروری) را تحت‌الشعاع قرار ندهد (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸ و ۱۳۹۰/۱۰/۱۴)؛ زیرا مهمترین نقش هر بانوی مسلمان در هر سطحی از علم و سواد و با هر شغل و مسئولیتی در سطح اجتماع، نقش مادری و همسری اوست و باید این مسئولیت را مسئولیت اصلی خویش بداند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴). بنابراین اگر اشتغال بانوان با رعایت شرایط فوق و از روی احساس مسئولیت باشد، مفید و مؤثر خواهد بود؛ اما اگر صرفاً به‌خاطر موارد مطلوب، جالب و شیرینی است که ممکن است در بیرون از محیط خانواده برای او انجام شود و نقش حساس او (نقش مادری و نقش همسری) را در خانواده از بین ببرد، مردود است (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۴/۱۳) و پذیرفته شده نیست.

محور ۲: توصیه به همسران (مردها)

قدرشناسی و حمایت از زحمات بانوان در خانواده: در این زمینه مقام معظم رهبری تأکید دارند که مردان باید قدردان زحمات بانوان در امور منزل باشند و بخشی از وظایف و مسئولیت‌ها را در این امور بپذیرند. درواقع جامعه باید قدردان زحمات بانوان در این امور باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴). فرزندآوری نیز یک مجاهدت بزرگ است. یک زن با این مجاهدت، کشور را از پیر شدن، کم شدن نسل جوان و کم شدن جمعیت در آینده می‌رهاند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴). البته در دهه‌های اخیر با نبود دقت‌های لازم مسئولین و مردم، این مسئله مورد غفلت واقع شده و کشور در سراسیمه‌ی رسیدن به خطرات ناشی از آن قرار گرفته است؛ اما امروز با علم به این موضوع و از طریق این نوع ارزش‌گذاری می‌توان از پیشروی این خطرات جلوگیری کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۱۱). باید از زنانی که عهده‌دار این کار مهم شده‌اند، قدردانی کرد؛ به‌خصوص بانوانی که

می‌توانستند تحصیلات عالی کسب کنند یا در مشاغل عالی‌رتبه اشتغال یابند، اما به‌علت تربیت فرزند از موقعیت خویش گذشته و تربیت را بر هر چیز دیگر ترجیح داده‌اند. البته که برای قدردانی زنان خانه‌دار و ارزش‌گذاری خانه‌داری، تشکرهای زبانی کفایت نمی‌کند. برای همین برای دلگرمی ایشان و حل بعضی از مشکلات آن‌ها، می‌توان به بیمه زنان خانه‌دار و تأمین مسائل اقتصادی اشاره کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

پرهیز از اجبار کردن زنان به اشتغال و کارهای سنگین: از نظر اسلام، میدان فعالیت‌های اقتصادی برای زنان، کاملاً باز است؛ اما اشتغال وظیفه آن‌ها نبوده و بر ایشان واجب نیست. بنابراین اجبار بانوان به انجام کارهای سنگین اجتماعی و پذیرفتن شغل و کمک به تأمین هزینه خانواده صحیح نیست و نوعی تحمیل و ظلم بر زن محسوب می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸ و ۱۳۸۱/۳/۸). بنابراین اینکه برخی مردان به هنگام ازدواج شاغل بودن زن را شرط دانسته و بر آن پا فشاری می‌کنند، اقدامی خطاست. آن‌ها باید از زنان متناسب با توان‌شان توقع داشته باشند و کاری بیش از حد توان او بر وی تحمیل نکنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸).

محور ۳: توصیه به فعالان فرهنگی

نگاه معقول و معتدل به اشتغال زنان: به بیان مقام معظم رهبری، در جامعه امروز برخلاف گذشته، زنان می‌توانند در محیطی اسلامی رشد کرده و در اساسی‌ترین مسائل اجتماعی ایفای نقش کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۴/۲۱). حتی اینکه اسلام روی حقوق و وظایف زن در خانواده تأکید می‌کند به این معنا نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و فعالیت‌های عمومی منع کند؛ بلکه او می‌تواند درحالی‌که مادر و همسری خوب باشد، با حضور در اجتماع و اشتغال نیز ایفای نقش کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۵). ایشان در جای دیگری نیز معلومات دینی و علمی بالای زنان را تحسین کرده و حضور زنان را در عرصه‌های سیاسی، علمی و... مفید می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۲۱). اشتغال بانوان حتی در برخی موارد برای جامعه ضروری به نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال اگر مربیان زن شایسته و متعهد در مراکز آموزشی حضور نداشته باشند، چه کسی بار آموزش برای دختران را به دوش خواهد کشید؟ یا اگر پزشکان زن خصوصاً در مسائل مخصوص بانوان خدمت نکنند، چه کسی می‌تواند این امر را بر عهده بگیرد؟ بنابراین زنان با مدیریت، برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی کردن امور می‌توانند هر دو نقش خود را به شایستگی ایفا کنند.

اجتناب از تبلیغ افکار فمینیستی: مقام معظم رهبری بر اجتناب از «برابری جنسی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۳۰)، با ارزش تلقی کردن تشبه بانوان به مردان (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۴/۱۳) و مردواره کردن زن (یعنی کشاندن زنان به مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی، عصبی و فکری مرد سازگارتر است و آن را مایه افتخار و امتیاز زن قرار دادن) تأکید می‌ورزند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۲۱) و معتقدند نباید صرفاً به تعداد بالای زنان شاغل در مناصب سیاسی و... افتخار شود - گرچه حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، علمی و نظایر آن مفید است - و بنابراین باید از موضع‌گیری منفعلانه در برابر افکار فمینیستی احتراز کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۲۱).

امروزه عواملی همچون برنامه‌های اجتماعی، رسانه‌های عمومی و به‌ویژه تلویزیون در فرهنگ‌سازی کشور و اصلاح نگرش مردم بسیار تأثیرگذار هستند. متأسفانه در سال‌های اخیر بسیاری از این برنامه‌ها، نقش اجتماعی زنان را بسیار پررنگ کرده و حتی آن‌ها را به خاطر انجام برخی کارهای مردانه مورد تحسین قرار می‌دهند. گاهی نیز ممکن است این برنامه‌ها تعداد کمتر فرزندان را با موفقیت‌های بانوان مرتبط نشان دهند؛ که همه این موارد باید مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد.

محور ۴: توصیه به نهادهای قانونی و اجرایی

مدیریت و تنظیم مشاغل مناسب بانوان: از دیدگاه مقام معظم رهبری به‌رغم آنکه زنان امروز می‌توانند پله‌های صعود به مدارج علمی را در محیط‌های آکادمیک و... طی کرده، خود را به نقطه اوج علمی برسانند و بعضاً در مشاغلی نیز خدمت نمایند، اما باید دانست بعضی از مشاغل، جسمی محکم و روحی خشن را طلب می‌کنند و با روحیه لطیف زنانه سازگار نیستند. بنابراین باید باتوجه به طبیعت زنانه، اهداف عالی بانوان و اهداف بلندمدت جامعه، دروس مناسب با ایشان را در اختیارشان قرار داده و شرایط را برای پیشرفت آن‌ها مهیا کنیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۳۰). همچنین تحصیلاتی را که به مشاغل مناسب خصوصیت زنان منتهی نمی‌شود، بر آن‌ها تحمیل نکنیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۳۰).

حمایت‌های قانونی از مادران شاغل: مقام معظم رهبری معتقدند که باتوجه به تفاوت‌های طبیعی میان زنان و مردان (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۳۰)، باید قوانین کار مختص به آن‌ها وضع شود و دولت از طریق تطابق مواردی همچون مدت کار روزانه، مرخصی‌ها، زمان بازنشستگی و نظایر آن، مادران شاغل را در ایفای مسئولیت‌های خانوادگی کمک کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

د- حدود و ثغور اشتغال مناسب مادران

باتوجه به یافته‌ها، لحاظ کردن شرایط و حدود و ثغور زیر برای اشتغال مادران می‌تواند پیامدهای منفی آن را به حداقل برساند:

- وجود مبانی فکری صحیح در بانوان:

- علم به‌ضرورت حضور فعال و مؤثر زنان در جامعه؛ اما توجه به این نکته که «اشتغال» تنها شیوه فعالیت اجتماعی نیست.
- خودباوری و اجتناب از مردواره شدن و رقابت با مردان در عرصه‌های اقتصادی و شغلی
- علم به اینکه اشتغال در خارج از منزل به‌طور کلی، وظیفه اول یک خانم نیست؛ گرچه در برخی موارد ضروری می‌نماید.

- توانمندی مدیریتی بانوان:

- اولویت‌بندی مسائل و فعالیت‌ها (اولویت قائل بودن برای تربیت فرزند و حفظ خانواده و ارکان آن در مقابل هر فعالیت دیگر)

- شرایط سنی مناسب فرزندان:

- حتی الامکان اجتناب از اشتغال یا اجتناب از اشتغال تمام وقت در دوره خردسالی فرزندان

- وجود شبکه حمایتی خانوادگی مناسب در زمینه مراقبت و تربیت فرزندان خردسال

جدول ۱. ضرورت‌های مربوط به اشتغال بانوان از دیدگاه مقام معظم رهبری

مصادیق	مقوله‌ها	محورها
توصیه به بانوان	احترام به تفاوت‌های زن و مرد و افتخار زنان جامعه به زن بودن	زنان تأثیرگذارترین نقش در تاریخ حفظ ویژگی‌های زنانه در هر سمت و جایگاه افتخار به زن بودن
	اولویت‌بندی مسئولیت‌ها توسط بانوان	نقش مادری و همسری، مهمترین نقش هر بانوی مسلمان
توصیه به همسران (مردها)	قدرشناسی و حمایت از زحمات بانوان در خانواده:	مردان قدردان زحمات بانوان استعانت نمودن مردان در بخشی از وظایف منزل ارزش‌گذاری مقام زن توسط جامعه ایجاد دلگرمی برای زنان خانه‌دار با بیمه و...
	پرهیز از اجبار کردن زنان به اشتغال و کارهای سنگین	تحمیل نکردن کار بیش از حد توان به زنان
توصیه به فعالان فرهنگی	نگاه معقول و معتدل به اشتغال زنان	پافشاری نکردن به شاغل بودن زن در حین ازدواج توسط مردان جامعه اسلامی محیطی مناسب برای رشد زنان و ایفای نقش‌های اجتماعی توسط ایشان
		تحسین کردن زنان با معلومات دینی و علمی مفید یا ضروری بودن حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، علمی و...
	اجتناب از تبلیغ افکار فمینیستی	اجتناب از برابری جنسی و مردواره کردن زنان (نسپردن کارهای مردانه به زنان)
	عدم افتخار به تعداد بالای زنان شاغل	
توصیه به نهادهای قانونی و اجرایی	مدیریت و تنظیم مشاغل مناسب بانوان	تنظیم رشته‌های تحصیلی متناسب با زنان مشخص کردن مشاغل متناسب با طبیعت زنانه برای اشتغال بانوان
	حمایت‌های قانونی از مادران شاغل	وضع قوانین مختص به زنان و مردان در محیط‌های کاری وضع قوانین مختص کاری برای مادران شاغل

- وجود ضرورت‌های اجتماعی، اقتصادی و شغلی:

- نیاز جدی جامعه به اشتغال بانوان (به‌طور مثال در حوزه‌های تعلیم و تربیت و پزشکی)

- وجود تناسب میان استعداد و توانمندی و شغل زن:

- توانمندی جسمی، فکری و روحی - روانی بانوان برای ایفای نقش‌های گوناگون و مقاومت در برابر استرس، تنش و فرسودگی شغلی

- وجود فرصت‌های شغلی مناسب برای بانوان و اشتغال آن‌ها در شغل مناسب (برای کاستن از نارضایتی و تنش شغلی)

- وجود حمایت خانوادگی مناسب:

- پذیرش، قدردانی و حمایت روانی همسر از زن شاغل

- اقدام عملی جدی و کمک همسر برای حل مشکلات زنان شاغل (به‌ویژه در حوزه امور منزل و فرزندپروری)

- حمایت‌های قانونی از مادران شاغل

- راهکارهای پیشنهادی برای کاستن از پیامدهای منفی اشتغال

براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادات زیر برای کاستن از پیامدهای منفی اشتغال مادران بر فرزندپروری قابل طرح می‌شود:

- تقویت آگاهی عمومی مادران نسل جدید از چیستی، چگونگی و اهمیت «فرایند مادری»^۱ و جزئیات آن از طریق رسانه‌های جمعی، دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی، فرهنگسراها و نظایر آن؛ برای اتخاذ موضع مناسب در زمینه اشتغال در آینده تقویت شناخت عمومی دختران از نقش‌های جنسیتی خویش و افزایش خودباوری آنان؛ قرار دادن برخی دروس اختصاصی دختران و پسران در دوره متوسطه برای آشناسازی آن‌ها با تفاوت‌های جنسیتی و اهمیت وجودیشان در جهان هستی، نقش‌ها و کارکردهای اختصاصی خود و آماده کردن آن‌ها برای ورود به عرصه‌های مختلف زندگی آینده از دوران کودکی

- تبلیغ و گسترش روحیه اجتناب از تجمل‌گرایی و تقویت روحیه قناعت و ساده‌زیستی از طریق الگودهی نخبگان جامعه و رسانه‌های جمعی (برای اجتناب از اشتغال غیرضروری زنان با اهداف اقتصادی)

- تدارک و اجرای برنامه‌های تربیت حرفه‌ای ویژه دختران در مدارس به‌گونه‌ای که مبانی فکری، خودشناسی و استعدادیابی، توانمندی مدیریتی و مواردی این‌چنین را برای سنجش موقعیت و انتخاب شغل مناسب در آن‌ها تسهیل کند.

- برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه مادران شاغل و تقویت آگاهی آنان در مورد فرایندهای تربیتی و نحوه کاهش تأثیرات جدایی‌های روزانه
- تقویت قوانین حمایت از مادران شاغل (در اولویت قرار دادن استخدام زنان نیازمند و سرپرست خانوار، مرخصی‌های قانونی، دورکاری و مانند آن) و اجرایی کردن آن‌ها
- ارائه الگوهای اسلامی و تأثیرگذار از بانوان فعال در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی در رسانه‌های جمعی (و نه لزوماً دارای فعالیت‌های اقتصادی) به گونه‌ای که مادران بتوانند بدون فشار روانی و تبلیغاتی در مورد نحوه مراقبت از فرزند خود تصمیم‌گیری کنند.
- اصلاح عمومی و تعدیل نگرش مردان در زمینه تقسیم کار (به شیوه سنتی) و در نتیجه مشارکت فعالانه‌تر پدرها در انجام کارهای منزل و امور مربوط به فرزندان و به ویژه برقرار کردن رابطه صمیمی با کودکان در ساعات نبود مادر، از طریق رسانه‌های جمعی یا دوره‌های آموزشی ضمن خدمت. همچنین آموزش شیوه‌های گوناگون قدردانی از زحمات همسران.
- تقسیم کارهای اداری متناسب با طبیعت زنانه و مردانه توسط وزارت کار و اختصاص آن مشاغل به قشر خاص خود و در نتیجه کاستن از رقابت زنان و مردان برای پذیرش مشاغل مشترک.

بحث و نتیجه‌گیری

مسیر پیشرفت ما در جنبه‌های گوناگون از جمله در حوزه زنان و خانواده، همان مسیر غرب نیست. ما باید با هوشیاری از بحران‌هایی که امروزه جهان غرب در حوزه خانواده با آن دست به گریبان است، حذر کرده و باتوجه به اهداف مناسب خود، مسیری درست در پیش بگیریم.

به فرمایش مقام معظم رهبری (۱۳۹۱/۴/۲۱؛ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴)، زن در زمینه تولید نسل و تربیت فرزند نقش مستقیم‌تر و وظایف بیشتر و طولانی‌تری را نسبت به مرد متحمل می‌شود و با این مجاهدت بزرگ، کشور را از پیر شدن، کم شدن نسل جوان و کم شدن جمعیت در آینده می‌رهاند. به همین دلیل این نقش را می‌توان بزرگترین نقش اجتماعی زنان به حساب آورد. البته آنچه از اهمیت بیشتری نسبت به تولید نسل برخوردار است، تربیت آن نسل است؛ کار بسیار دشوار و هنر بسیار بزرگی که صرفاً بانوان می‌توانند از عهده آن برآیند (خامنه‌ی، ۱۳۷۴/۱/۲۲). در این میان اشتغال مادران تأثیر مستقیم بر حضور باکیفیت مادر در کنار فرزندان و تربیت آن‌ها دارد.

اشتغال زنان یکی از واقعیت‌های جامعه امروز است. شکوفا شدن توانمندی‌های زنان در عرصه‌های گوناگون، تمایل آن‌ها برای سهمین شدن در فعالیت‌های اقتصادی و مهم جامعه، دغدغه شخصی آن‌ها برای داشتن یک حرفه تخصصی و پیشرفت اجتماعی - اقتصادی، احساس مسئولیت برای کمک به تأمین هزینه‌های بالای زندگی (و گاه اصرار همسران به این امر) و گاه ضرورت قطعی برای اشتغال زنان در حرفه‌های خاص از یک سو

و محدودیت‌های جسمی و روانی، وظایف سنگین همسررداری، عشق به فرزند و تمایل به فراهم کردن بهترین مراقبت و تربیت او از سوی دیگر، مادران امروز را دچار چالشی اساسی کرده و بیش از پیش تحت فشار قرار داده است.

مادران هم به‌عنوان نیمی از قشر فعال جامعه (در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی) و هم به‌عنوان پرورش‌دهندگان اصلی نسل‌های آتی، باید با علم و آگاهی و عقلانیت و به دور از تبلیغات فمینیستی یا تمایلات فردگرایانه، برای این امر مهم تصمیم‌گیری کرده و فعالانه آن را مدیریت کنند.

منابع

- قرآن کریم (محل الدین الهی قمشه ای مترجم). تهران: نشر سبحان
- احمدی، ع؛ تقوی، س ح. (۱۳۸۲). تأثیر اشتغال مادران بر عملکرد رفتاری و آموزشی فرزندان. *پژوهش زنان*، ۱۰۵-۱۲۴، (۵)۱.
- ادیبراد، ن. (۱۳۸۵). بررسی رابطه دلزدگی زناشویی و دلزدگی شغلی زنان شاغل در خدمات پرستاری. *پژوهش‌های مشاوره تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۱۹(۵)، ۳۵-۴۷.
- امینی، م؛ حسینیان، س؛ امینی، ی. (۱۳۹۲). بررسی ورود زنان به عرصه اشتغال و تأثیر آن بر میزان قدرت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده. *زن و جامعه*، ۱(۴)، ۱-۲۸.
- برهانی کاخکی، م؛ کرمی، ا. (۱۳۹۵). مقایسه کیفیت خواب در زنان کارگر شیفت کار. *سومین کنفرانس روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی با رویکرد بین‌المللی*. مشهد: ۹۵/۶/۴.
- بستان (نجفی)، ح. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بنی‌اسدی شهربابک، ح؛ رشیدی، ش؛ حسینی‌فرد، س م. (۱۳۹۱). رابطه بین تعارضات کار - خانواده مادران شاغل و اضطراب کودکان و مقایسه آن در بیمارستان‌های نظامی و غیرنظامی. *طب انتظامی*، ۱(۳)، ۱۸۴-۱۹۰.
- حدادی، م؛ کلدی، ع؛ سجادی، ح؛ صالحی، م. (۱۳۹۰). ارتباط رده شغلی و سلامت روان در زنان شاغل. *رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۰)، ۱۰۷-۱۲۷.
- حسین‌پور علویه، م. (۱۳۸۸). *نقش مادران در تربیت فرزندان؛ آنچه مادران برای تربیت فرزندان باید بدانند: از دوران جنینی تا بلوغ*. ویراستار تقی صالح. چ ۲. قم: انتشارات جوانان موفق.
- خامنه‌ای، س ع (مقام معظم رهبری). *بیانات*. قابل دسترس در: <http://www.leader.ir>
- خواججه‌پیری، ف. (۱۳۹۲). *نگاهی راهبردی به مسئله اشتغال زنان در نظام مبتنی بر عقل ملکوتی*. هفتمین همایش به‌سوی راهبردهای قرآنی در مدیریت و تربیت اسلامی. تهران: ۱۳۸۹/۵/۴.
- داوید، م. (۱۳۷۷). *زندگی عاطفی کودک از صفر تا دو سالگی* (ساعد زمان مترجم). تهران: نشر مرکز.

- رحمانی، ج؛ طیبی نیا، م. (۱۳۹۵). *انگیزش‌های نویافته و تحولات هویتی زنان در آموزش عالی* (مورد مطالعه: زنانی که همزمان نقش همسر، مادر، شاغل و دانشجو را ایفا می‌کنند). سومین کنفرانس روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی با رویکرد بین‌المللی. مشهد: ۱۳۹۵/۶/۴.
- ریاحی، غ. (۱۳۷۰). رمز و راز دنیای کودک، روان‌شناسی کودک از تولد تا پایان ۱۱ سالگی. تهران: نشر اشراقیه. زیبایی‌نژاد، م؛ سبحانی، م. (۱۳۸۲). *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، (بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب)*. ۳. قم: نشر نصاب.
- شرفی، م. (۱۳۷۱). *با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟ چشم‌اندازی بر مراحل رشد و تحول و فرایند تربیت از ولادت تا نوجوانی*. تهران: نشر جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- شریف رضی، م. (۱۳۷۹). *نهج البلاغه* (محمد دشتی مترجم). قم: نشر مشهور.
- صیف، م؛ ثابت‌مه‌ارلوئی، ع؛ رستگار، ا؛ طالبی، س. (۱۳۹۳). بررسی عوامل سازمانی و روانشناختی مؤثر بر تعارض کار - خانواده پرستاران زن متأهل (ارائه الگوی تحلیل مسیر). زن و جامعه، (۲)۵، ۴۹-۶۸.
- لیکونا، ت. (۱۳۷۰). *روانشناسی رشد: چگونه فرزندان خوب تربیت کنیم* (مهدی قراچه‌داغی مترجم). ۲. تهران: انتشارات روشنگران.
- فرهادیان، ف. (۱۳۸۹ الف). پیامدهای منفی اشتغال زنان. پیام زن، (۲۱۸)، ۳۸-۴۳.
- فرهادیان، ف. (۱۳۸۹ ب). پیامدهای منفی اشتغال زنان. پیام زن، (۲۱۹)، ۴۰-۴۷.
- فرهمند، م؛ خاتمی‌سروری، خ؛ محمدحسینی، ر. (۱۳۹۵). مقایسه سلامت اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری، مهارت‌های ارتباطی و عزت‌نفس در بین زنان شاغل و خانه‌دار شهر یزد. زن و جامعه، (۲)۷، ۱۴۷-۱۶۶.
- فیض، ج. (۱۳۸۷). *رفتار پدر و مادر با کودک و نوجوان؛ دانستنی‌های لازم برای پدران و مادران*. تهران: نشر امیرکبیر.
- قائمی، ع. (۱۳۸۴). *نقش مادر در تربیت*. ۱۲. تهران: امیری.
- قائمی، ع. (۱۳۷۳). *حیات زن در اندیشه اسلامی*. تهران: امیری.
- قمری، م؛ امیری‌مجد، م؛ قمری، آ. (۱۳۹۲). رابطه هوش معنوی و مدیریت تضاد با تعارض کار - خانواده در کارکنان متأهل هر دو شاغل. علوم رفتاری، (۱۶)۵، ۱۳۵-۱۵۳.
- عنایت، ح. (۱۳۷۰ و ۱۳۷۱). تأثیر اشتغال گروهی از مادران بر مراقبت از کودکان در شهر شیراز. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، (۲)۷، ۱۰۱-۱۲۲.
- گیلدر، ج و همکاران. (۱۳۸۹). *چه کسی گهواره را تکان خواهد داد؟* (سمانه مدنی و آزاده وجدانی مترجم). قم: نشر معارف.
- محمدی، م. (۱۳۸۹). اثرات مثبت اشتغال بانوان. *سایت عصر ایران*. کد خبر ۱۵۸۲۱۱. قابل دسترس در: www.asriran/fa/news.

محمودی، م. ت. (۱۳۷۶). بررسی رابطه بین اشتغال مادر و ویژگی‌های شخصیتی، پیشرفت تحصیلی و خلاقیت فرزندان در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های مناطق ۲، ۵ و ۹ شهر تهران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت معلم تهران، تهران، ایران.

هنری ماسن، پاول و دیگران (۱۳۷۰). رشد و شخصیت کودک (مehشید یاسائی مترجم). چ ۳، تهران: نشر مرکز.

هیئتی کادیجانی، س؛ جعفری، م. (۱۳۹۴). نقش اشتغال زنان بر سلامت اجتماعی خانواده، مطالعه موردی در مناطق ۱، ۲، ۱۹ و ۲۰ تهران. تحقیقات سلامت، ۴(۱)، ۱۱-۱۸.